

ماشین تولید اخبار جعلی دربارهٔ مذاکرات چطور کار می‌کند؟

نوادگان گوبلز مشغولند



زهرا طبعی خبرنگار گروه سیاست

دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا درم، با خبرسازی جعلی خبرنگار العربیه شروع شد. خبرسازی در مورد مذاکرات مستقیم آمریکا و ایران یا گفت‌وگو در یک اتاق مشترک، از چند روز قبل از ۱۲ آوریل شروع شد و به نظر می‌رسد فعلاً مهم‌ترین دستور کار رسانه‌های خارجی، دستکاری افکار عمومی داخلی باشد. روز گذشته هم در حالی که دقایقی مذاکره دو کشور با واسطه عمانی شروع شده بود، خبرنگار العربیه در خبری مدعی شد «هیئت‌های آمریکا و ایران در یک اتاق در سفارت عمان در رم حضور دارند.» خبری که دقایقی بعد توسط رسانه‌های ایرانی تکذیب شد و اسماعیل نقیایی، سخنگوی وزارت خارجه هم اعلام کرد مذاکرات در «دو اتاق جداگانه» و در محل «اقامت سفیر عمان در رم» برگزار می‌شود. سوار شدن روی موج رسانه‌ای و خبرسازی برای بازنمایی تصویر مطلوب جریان‌های هدف از روند مذاکرات، حربه‌ای قدیمی است که مذاکره‌کنندگان آمریکایی در دوره‌های گذشته مذاکرات با هدف کنترل افکار عمومی و در اختیار گرفتن مرجعیت رسانه‌ای از آن استفاده می‌کردند. این بار البته به نظر می‌رسد تیم مذاکره‌کننده ایرانی به فضا سازی رسانه‌های خارجی بی‌توجه نبوده است. محدود کردن حضور رسانه‌های خارجی در دور اول مذاکرات برای جلوگیری از انتشار اخبار جعلی، ضرب انتشار اخبار جعلی در مورد مذاکرات را کم کرد. نکته مورد توجه این است که آمریکا حضور رسانه‌های متعدد را در چهارچوب انتشار آزاد اطلاعاتی توجیه می‌کند، اما تعدد حضور آن‌ها تنها فضا را برای استفاده از رسانه‌ها برای فضا سازی رسانه‌ای و موج سواری روی افکار عمومی فراهم می‌کند. اتفاقی که در جریان حضور رسانه‌ها در دور دوم مذاکرات رخ داد. در دور دوم مذاکرات، رسانه‌های بیشتری امکان حضور در محل گفت‌وگوها را داشتند، اما هم‌زمان شدت اخبار جعلی بیشتر و در مواردی عجیب‌تر شد، از جمله آنکه در خبری که گفته می‌شد الجزیره منتشر کرده، ادعا شده بود «عباس عراقچی به دلیل طرح مسائل غیرهسته‌ای توسط طرف آمریکایی، مذاکرات را به مدت ۱۵ دقیقه تعلیق و ادامه گفت‌وگوها را مشروط به تمرکز بر مسائل هسته‌ای، اعلام کرده است.» این دو مین خبر جعلی بود که ابتدا خبرگزاری الجزیره منتشر کرد و پس از آن رسانه‌های دیگر نیز به آن ضرب داندند. واقعیت این بود که تیم مذاکره دقایقی برای خواندن نماز، اتاق محل مذاکره را ترک کردند. نکته جالب توجه آن بود که برخی رسانه‌های داخلی نیز در دام خبرسازی جعلی قرار گرفتند و بدون صحت‌سنجی این خبر جعلی را منتشر کردند.

باتلاق فوکویاما



سیدجواد تقوی خبرنگار

تیموتی اسنایدر، تاریخ‌پروژه لیبرال‌اندیش که بیش از سده‌ه در حوزه تاریخ او یا و آمریکا کار کرده پر پروژه مهمی را به همراه تونی جات، یکی از مهم‌ترین تاریخ‌پژوهان قرن بیست و یکم در سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ دنبال می‌کردند به این نتیجه رسیدند که آنچه در سال۱۹۸۹ در مقاله پایان تاریخ فوکو یا شکل گرفت، ساده‌سازی آینده جهان بود و این باور را شکل داد که دیگر هیچ آلت‌رناژیوی وجود ندارد و جهان آینده در اختیار لیبرالیسم خواهد بود، حتی اگر صدها مشکل درون ایده لیبرال‌ها وجود داشته باشد دیگری ای‌برای لیبرالیسم وجود ندارد. اسنایدر و جات طی سال‌ها تحقیق درباره پاسفرو پاشی دیوار برلین و فرو پاشی کمونیست به این نتیجه رسیدند که فوکو یا ما و مقاله او ابتدا در نقش یک مخدر و بعدتر در حکم یک باتلاق عمل کرده است.

مخدر

اسنایدر می‌گوید هنگامی که شوروی فرو پاشید و بعد از مدتی فدراسیون روسیه مشکل گرفت به آن جهت که از نظم لیبرالی و بازار آزاد صحبت می‌شد کمتر کسی باور می‌کرد در آینده خیلی نزدیک مجدد روسیه در مقابل غرب و اروپا بتواند قرار بگیرد. او در ادامه می‌گوید روسیه از همان لحظه اول- شروع به ترجمه آثار ایوان ایلین کرد که کم‌به کم توزیع آن آثار در سراسر کشور و بین سیاستمداران دست زد. در واقع ایلین یک فیلسوف خاص بود که سال‌ها به احیای قدرت روسیه و برتری این کشور در دنیا فکر می‌کرد و آتش فیتقا برای جامعه روسیه و چگونگی قدرتمند شدن آن پرداخته و این مسئله را بازسازی کرده بود که روس‌ها مجدداً به قدرت گرفتن و احیای خود می‌انديشند و آثار ایلین به‌نوعی احیای جامعه مسیحی بود که در روسیه بالای آن برای تغییرات در غرب لایتنک داشت، به‌نوعی روس‌ها از همان اول به‌دنبال تغییرات پرسرعت و دیگر گونی خود در جهان بودند و سعی می‌کردند از تحقیر فروپاشی به‌سرعت خارج شوند. در حقیقت روس‌ها از همان سساعت‌های اولیه سعی کردند خودشان را با ایده‌ای جدید بازسازی کنند و ایوان ایلین معتقد بود ملت خدانست ولی قدرت و وحش از خداست. وظیفه ملت آینده روسیه این است جهان ناقصی که خدا شکل داده را به سمت جهان کامل هدایت کند و در این شرایط فردگرایی بورژوازی عامل انحطاط است و مانع از شکل‌گیری ملتی که نماینده خدا است، اما روسیه نباید به‌گونه‌ای رفتار کند که غربی‌ها طرح آنها را بپذند و از طرفی هم نباید شبیه به غرب شود، در نتیجه طرح ایلین که چند دهه قبل از فروپاشی شوروی و در دوره جنگ جهانی دوم بود، به‌نوعی طرحی بین دموکراسی و ایده‌های جمع‌گرایی بود و بیش

چرا خبرهای جعلی؟

انتشار اخبار جعلی به نقل از منابع آگاه در مورد روند مذاکرات ایران و آمریکا، عموماً با چند هدف مشخص دنبال می‌شود. نکته اول آنکه برخی از این رسانه‌ها برای آنکه مرجعیت خبری را در اختیار بگیرند، سرعت را فدای دقت می‌کنند و بعضاً اخبار غیردقیق و نادرست را منتشر می‌کنند. علاوه براین، برخی از این اخبار غیردقیق و غیرواقعی، عمدتاً با هدف دستاو‌رسانی برای طرف آمریکایی مذاکرات منتشر می‌شود. ادعایی که ترامپ در مورد مذاکرات مستقیم ایران مطرح کرد و پس از آن رسانه‌های دیگری نیز به آن پرداختند به این منظور منتشر شد که طرف آمریکایی به دنبال استفاده رسانه‌ای از این موضوع بود که توانسته مذاکراتی مستقیم با ایران وبدون واسطه را آغاز کند. ادعایی که البته با شروع مذاکرات، غیرواقعی بودن آن مشخص شد. با این حال اما همچنان تلاشی رسانه‌ای برای بیان این موضوع که مذاکره میان ایران و آمریکا، مستقیماً دنبال می‌شود، ادامه دارد؛ چراکه به نظر می‌رسد ترامپ عجله زیادی دارد بگوید تا اینجای گفت‌وگوها دستاوردهای مذاکراتی‌اش بیش از تیم مذاکره‌کننده او باشد. بخشی از این اخبار جعلی که در رسانه‌ها منتشر می‌شود با هدف انحراف مسیر مذاکره صورت می‌گیرد و شیطنت‌های صهیونیستی برای دستکاری افکار عمومی یا ایجاد دو قطبی سازی در فضای سیاسی داخل کشور، هدف دیگر انتشار اخبار جعلی مذاکراتی است که در رسانه‌ها منتشر می‌شود. رسانه‌های فارسی زبان صهیونیستی که ید طولایی در فضا سازی رسانه‌ای علیه ایران دارند نیز از این قاعده مستثنی نیستند. این رسانه‌ها شاید در ابتدا اخبار دقیق و درستی از مذاکرات منتشر کنند اما کارویژه اصلی را بر ارائه «متمركز كردند تا افكار را به سمت مطلوب خود جهت دهند. خبری که به نقل از اینتر نشنال در مورد احتمال توافق سه مرحله‌ای ایران و آمریکا منتشر شد، که اشاره داشت ایران در این بسته پیشنهادی احتمال خروج اوزانیوم غنی شده به خارج را مطرح کرده و متقابلاً آمریکا پذیرفته که تعهداتی انجام دهد، خبری جعلی بود که شاید در ظاهر امر مثبت نیز باشد اما طبیعتاً واکنش‌های منفی زیادی در کشور ایجاد می‌کرد و مخالفان زیادی داشت. انتشار اخبار جعلی رسانه‌ها و تعدل آن‌ها، این توجیه را تقریباً غیر قابل پذیرش می‌کرد که این اخبار در یک خطای رسانه‌ای و به خاطر اطلاعات غلط یک منبع آگاه منتشر شده است و مشخصاً ضربه کاری به اعتبار این رسانه‌ها وارد می‌کند. در ادامه به بررسی برخی از این اخبار جعلی و خبرنگارهایی که این اخبار را منتشر کردند، می‌پردازیم.

دروغ ۴۵ دقیقه‌ای

باراک راوید، خبرنگار صهیونیست و کارشناس سیاست خارجی خاور میانه روزنامه اکسیوس که محل مذاکرات ایران و آمریکا در رم هم حضور دارد، با شروع مذاکرات ایران و آمریکا اخبار مذاکرات و جو تیم ترامپ در مورد مذاکره را منتشر کرده است. اگر چه بخشی از اخباری که توسط این خبرنگار صهیونیست منتشر می‌شوند، غیرواقعی

نیستند اما مشخصاً با سیاست رسانه‌ای رژیم صهیونیستی و یاد رفتن گرفتن منافع رژیم منتشر می‌شوند. براین اساس جهت‌دار بودن انتشار اخبار مرتبط با ایران و مذاکره، پدیده عجیبی نیست. برای مثال انتشار خبر اختلاف در تیم امنیت ملی آمریکا در مورد پرونده ایران و افشای دودستگی در تیم امنیت ملی آمریکا، اتفاقی مثبت برای رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود؛ چراکه این گزاره را اثبات می‌کند که هنوز چهره‌هایی در تیم ترامپ حضور دارند که موافق حمله نظامی به ایران هستند و گزینه حمله نظامی به ایران هنوز روی میز آمریکایی‌ها قرار دارد. اخباری که راوید، خبرنگار خاور میانه در مورد مذاکرات هسته‌ای ایران از زمان شروع مذاکرات تا روز گذشته منتشر کرده، مدعی شده آمریکا با غنی سازی ۳ درصد اوزانیوم در خاک ایران با مقاصد صلح‌آمیز موافقت کرده است. خبری که تا لحظه تنظیم گزارش، توسط مقامات رسمی دو طرف تایید یا تکذیب نشده است. این رسانه پیش از شروع دور دوم گفت‌وگوهای ایران و آمریکا، خبر دیدار ویتکاف و دیوید بارنیا، مدیر موساد را منتشر کرد، با این منظور که رژیم صهیونیستی در جریان مذاکرات دو طرف قرار دارد. باراک راوید بعد از صحبت‌های وزیر خارجه ایران در مورد گفت‌وگوی چند دقیقه‌ای با استیو ویتکاف در دور اول مذاکرات در عمان، مدعی شد گفت‌وگری ۴۵ دقیقه‌ای بین ویتکاف و عراقچی به صورت مستقیم مطرح شده است. خبری جعلی که به نظر می‌رسد بیشتر با هدف اثرگذاری بر فضای سیاسی داخل ایران مطرح شده است. نکته مورد توجه آن است که عموم اخباری که باراک راوید، خبرنگار صهیونیست در مورد تحولات مرتبط با ایران منتشر می‌کرد، در رسانه‌های داخلی ایران نیز بازتاب زیادی پیدا می‌کرد. اگر چه این طور به نظر می‌رسد که این رسانه، اخبار مرتبط با ایران را بدون سوگیری رسانه‌ای منتشر می‌کند اما در مورد رویدادهای حساسی که با فضای داخلی ایران نیز گره خورده، عموماً دست به انتشار اخباری جعلی می‌زند که با توجه به مرجعیت رسانه‌ای که در اختیار گرفته تا تکذیب اصل ادعا، اثر خود را بر جامعه هدف می‌گذارد.

دروغ نیویورک تایمز

«ماه گذشته، رئیس جمهور ایران همراه با رؤسای قوه قضائیه و مجلس، با رهبر انقلاب دیدار کردند... آن‌ها به آقای خامنه‌ای گفتند اگر ایران از مذاکرات امتناع کند یا مذاکرات شکست بخورد، حملات نظامی به دو سایت اصلی هسته‌ای ایران، نظنر فردو، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در پایان این جلسه چندساعته آقای خامنه‌ای تسلیم شد. او اجازه داد مذاکرات ابتدا به صورت غیر مستقیم، از طریق واسطه و سپس در صورت پیشرفت، به صورت مستقیم، بین مذاکره‌کنندگان آمریکایی و ایرانی انجام شود.» این بخشی از خبری بود که فرنانز فصیحی، خبرنگار ایرانی-آمریکایی نیویورک تایمز به نقل از دو منبع آگاه ایرانی نوشت، ادعایی که اعضای نزدیک به دفتر رهبر انقلاب آن را تکذیب کردند و این ادعاها را کذب محض خواندند. فصیحی البته در انتشار اخبار جعلی در مورد تحولات ایران، سابقه دور و درازی دارد.

در حالی که رسانه‌های مختلف گمانه‌زنی‌هایی در مورد چگونگی ترور اسماعیل هنیه در تهران منتشر می‌کردند، فصیحی در گزارشی در نیویورک تایمز، به نقل از ۷ منبع آگاه از جمله دو مقام ایرانی مدعی شد ترور اسماعیل هنیه از طریق بمبی که دو ماه قبل در اتاق هنیه جاسازی شده بود، صورت گرفته است. ادعایی که تکذیب شد و بر مبنای آنچه مقامات مسئول ایرانی گفتند، محل اقامت اسماعیل هنیه پیش از این مشخص نشده بود که امکان بمب گذاری وجود داشته باشد. خبر دروغی که نیویورک تایمز در مورد بیماری رهبر انقلاب در آستانه ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ منتشر کرده بود را هم فرنانز فصیحی خبرنگار نیویورک تایمز منتشر کرده بود. تعدد انتشار اخبار جعلی در مورد ایران که عموماً به نقل از چند منبع آگاه ایرانی منتشر می‌شوند، که هیچ زمان نامی از آن‌ها برده نمی‌شود، این گزاره را تقویت می‌کند که فصیحی این ادعاها را صرفاً در قالب یک خبرنگار معمولی منتشر نمی‌کند و کارویژه شخصی دارد. گزارش‌هایی که عموماً با هدف اثر گذاری بر افکار عمومی داخل ایران در نیویورک تایمز منتشر می‌شود، این گزاره را تقویت می‌کند که پای حضور سرویس‌های اطلاعاتی در انتشار اخبار به نقل از مقامات آگاه فرضی، در میان است. فصیحی این روزها و هم‌زمان با شروع مذاکرات ایران نیز به موضوع گری رسانه‌ای و ارائه تحلیل در مورد محتوای مذاکرات ادامه می‌دهد. اظهاراتی که بعضاً تناقضی با اصل خبر منتشر شده ندارند اما اتفاق عجیبی نیست اگر در روزهای آینده که مسیر مذاکرات وارد چهارچوب گفت‌وگوهای فنی می‌شود، ادعاهایی جعلی به نقل از مقامات آگاه ایرانی در مورد مذاکرات با هدف تأثیرگذاری بر روند مذاکرات منتشر کنند.

رویترز؛ همان همیشگی

خبرگزاری رویترز هم از رسانه‌هایی که ادعاهایی در مورد مذاکره مستقیم ایران و آمریکا منتشر کردند، عقب‌نماند. رویترز البته ادعای دیگری را نیز در مورد محتوای مذاکرات ایران و آمریکا مطرح کرد با این عنوان که تبادل زندانیان آمریکایی، یکی از محورهای مذاکراتی گفت‌وگوی دو طرف بوده است. ادعایی که سخنگوی وزارت خارجه آن را تکذیب کرد. خبرگزاری رویترز پیش از این و در جریان ادعاهای رسانه‌ای که در مورد فروش سلاح ایران به روسیه منتشر می‌شد، اخبار غیردقیق و جعلی منتشر کرد. در جریان وقوع حادثه تروریستی در تالار کنسرت کروکوس، در فروردین سال گذشته، رویترز مدعی شد چند روز پیش از این حمله در روسیه، تهران اطلاعاتی به روسیه داده بود. ادعایی که سخنگوی کرملین آن را تکذیب کرد و گفت پیش از این هیچ اطلاعاتی مرتبط با این تهدید امنیتی از ایران دریافت نکرده است. خبرگزاری رویترز پیش از این مدعی شده بود ایران واسطه مذاکرات محرمانه برای انتقال موشک‌های پیشرفته روسی به یمن است. ادعایی که باز هم تکذیب شد.

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

از کمونیسم عبور از آمریکا و برتری بر نظم بین‌الملل است. اوهم مثل اسنایدر معتقد است او صدها کارشناس-که سال‌ها در اندیشکده‌های امنیتی و علمی در آمریکا کار می‌کرده‌اند- اصلاً فکر روزی را که آلت‌رناژیو شکل بگیرد و فردای بیرون از پایان تاریخ را تشکیل نمی‌کرده‌اند برای همین تمام این افراد درباره چین با ساده‌انگاری گزارش‌هایی را نوشته‌اند که در نهایت چین یک قدرت اقتصادی خواهد بود. حال آنکه امروز چین به‌دنبال عملیاتی کردن رؤیای چین است، یعنی فراتر از یک قدرت اقتصادی و ساخت نظم بیرون از نظم پایان تاریخ و آمریکایی‌ها که سال‌ها تلاش کردند، بگویند مسیر خوشبختی از توسعه لیبرال و دموکراسی عبور می‌کند، حالا با مدلی از اقتدارگرایی انعطاف‌پذیر روبه‌رو هستند که هم در وضعیت اقتصادی دست بالا را دارد و هم به میزان بسیار زیادی توسعه را شکل داده است و از همه مهم‌تر مشابه ایده پایان تاریخ هم رفتار نکرده است. پاییزی می‌گوید این وضعیت در حقیقت شروع یک جنگ تمام‌عیار برای نظم جدید است که سال‌ها اما آمریکایی‌ها با خوش خیالی از آن مطلع نبوده‌ند. شاید بهتر بتوان اشاره کرد که درباره روسیه احتمالاً آن مخدر باعث شد روس‌ها با دخالت در نظم قبلی هم سرنوشت اروپا را تعیین دهند و هم بعد از جنگ جهانی دوم اروپا را- که به‌شدت فویبای جنگ داشت- وارد یک جنگ مجدد کنند و از طرفی با دخالت در انتخابات آمریکا باعث شکل‌گیری یک تحقیر در بین آمریکایی‌ها شدند و حتی به‌گونه‌ای ترامپ را به سمت ایده خودشان که نوعی بیرون از ساخت پایان تاریخ است، هدایت کرده‌اند. همه این موارد باز هم خطر وسیعی نیست اما باتلاق چین به مراتب خطر وسیعی است؛ چراکه غرب و طرف غربی نه مثل گذشته چابک است و نه چن یک کشور صرفاً با بازده اقتصادی خیلی خوب است و در اینجا ایده پایان تاریخ همه نظم لیبرال دموکراسی را به باتلاقی کشانده که فعلاً هیچ‌راه خروجی ندارند و بسیار هم برای فهمیدن آن که در باتلاق دیر شده است و هیچ راهی به‌جز آنکه در نردی تازه باید ورود کنند، ندارند!

شاید خلاصه ایده اسنایدر و پیلز بی‌را که دو فرد با تخصص‌های متفاوتند باید این گونه بیان کرد. مسیری که تصور می‌شد بعد از فروپاشی نظم کمونیستی به‌سادگی طی شود و لیبرالیسم تا قرن‌ها سالار و سرور و حاکم برانی باشد با خاندانشین در کمتر از سده‌ه باعث شد دو کشور چین و روسیه به‌صراحت با نقض آشکار همه ایده‌های پایان تاریخ، هم کشورهای قدرتمندی شوند و هم کشورهایی با توسعه بسیار مطلوب و هم در حکمرانی موفق عمل کرده‌اند و طرف غربی هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد این نظریه به این سرعت نته‌ها دچار نقض شده، بلکه باعث شده برعکس همیشه طرف غربی بیش از آنکه باعث شسوک طرف مقابل شود، خودش با شوک وسیعی روبه‌رو شده که ماحصلش، حتی می‌تواند پایان دموکراسی و نظم اقتصادی مطلوب ایده پایان تاریخ باشد.

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

رسانه‌ای است. چیزی که وزیر خارجه کشور ما این گونه بر آن تأکید می‌کند: «ممکن است برخی افراد با طرف‌ها با اغراض خاص یا صرفاً به دلیل علاقه شخصی، گمانه‌زنی‌های طعنی مطرح کنند. هیچ‌یک از این گمانه‌زنی‌ها تأیید نمی‌کنم. آنچه در پشت میز مذاکرات می‌گذرد، به‌طور طبیعی محرمانه است و متعلق به فضای مذاکرات است. هنگامی که مذاکرات به نتیجه برسد، نتایج آن به‌وضوح مشخص خواهد شد... ما کار خود را با طمأنینه، آرامش و دقت انجام می‌دهیم.» عراقچی همچنین با تأکید بر اینکه دلیلی برای خوش‌بینی و بدبینی بیش از حد وجود ندارد، به حرکت عاقلانه بر مدار احتیاط و آرامش تأکید کرد و گفت: «پس از جلسات فنی هفته آینده، در موقعیت بهتری برای قضاوت در باره امکان دستیابی به تفاهم خواهیم بود. همچنان با احتیاط عمل می‌کنیم.»

فرهنگ‌نگاران

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری